



کوتاه از چهار گوشه دنیا



فستیوال فیلم ساندانس در هنگ کنگ

مؤسسه فیلم‌های مستقل اعلام کرد که جشنواره معروف فیلم ساندانس به هنگ کنگ خواهد رفت تا در آنجا کار خود را آغاز کند. این فستیوال از ۱۹ سپتامبر آغاز می‌شود و تا ۲۸ این ماه در جریان خواهد بود. جان کوپر، گرداننده اصلی فستیوال فیلم ساندانس گفت: «در تلاشمان برای اشتراک گذاری بهترین فیلم‌های مستقل امریکایی، به نظر رسید هنگ کنگ بهترین مکان برای این کار است، چرا که از تاریخ سینمایی قدرتمندی نیز برخوردار است. ما با همکاری متروپلیکس، برنامه‌های را تدارک دیدیم تا در آن فیلم‌های مستقل امریکایی را با کیفیت بالا بخش کنیم».



نگهبانان کهکشان، ۳۷ میلیون دلار در یک روز فروخت

فیلم سوپر قهرمانانه والت دیزنی که پیش‌بینی شده بود در نخستین اکران پایان هفته‌ی خود، ۹۰ میلیون دلار خواهد فروخت، در همان روز اول، یعنی جمعه، ۸.۳۷ میلیون دلار فروخت تا از این لحاظ امتیاز سینمایی A را دریافت کند و در صدر گیشه فروش بایستد. نگهبانان بعد از «تبدیل ششوندگان» که ۴۱ میلیون دلار در روز اول فروخت و سپس در فروش پایان هفته به ۱۰۰ میلیون رسید، اینک با ۳۷ میلیون دلار فروش روز اول در رده بعد از آن قرار دارد. باید دید آیا این فیلم می‌تواند پایان هفته را صدتایی شود یا خیر.



لرده، خواننده ۱۷ ساله، خواننده قسمت بعدی Hunger Games

لرده خواننده جوان ۱۷ ساله، برای خوانندگی قسمت بعدی فیلم پر طرفدار Hunger Games انتخاب شده است. وی قرار است آهنگ را خودش انتخاب کند و تک آهنگش را ضبط کند و گفته است از این که نامش به عنوان خواننده تک آهنگ این اثر ثبت شود، بسیار خوشحال و مفتخر است و از این که در کنار کارگردان «فرانسیس لارنس» کار خواهد کرد، احساس افتخار می‌کند. لرده کتاب این فیلم را قبلاً خوانده و فضای آن کاملاً آشناست. آهنگ‌های قسمت قبلی این فیلم توسط هنرمندانی چون پتی اسمیت، ارکاد فایر و تیلور سوئیفت آماده شده بودند.



ساخت فیلمی کوتاه از آلبوم معروف کندریک لامار

کندریک لامار در حال آمادگی برای ساخت فیلم کوتاهی از روند انتشار آلبوم خود به نام «پیچه خوب...» است. این فیلم با عنوان M.A.A.D که برگرفته از نام قسمتی از آلبوم است، به مدت ۱۴ دقیقه در فستیوال فیلم ساندانس که هفته آینده برگزار خواهد شد، پخش می‌شود. فیلم به کارگردانی خلیل جوزف است که در سال ۲۰۱۲ جایزه شوالیه را نصیب خود کرد. فیلم همانند آلبوم بر محور زندگی در جنوب لس آنجلس می‌پردازد. جوزف در این فیلم از بازیگران محلی استفاده کرده تا بر واقعیت داستان بیافزاید.

بازیگران اقلیت‌های قومی و نژادی، همچنان در هالیوود با تبعیض مواجه‌اند

اکتوا با اسپنسر، بازیگر زن سیاه پوستی که در سال ۲۰۱۲ به دلیل بازی در فیلم نژادی «The Help» موفق به دریافت جایزه اسکار شد، می‌گوید در هالیوود هنوز تبعیض نژادی و قومی برای بازیگران وجود دارد و آن‌ها همچنان نمی‌توانند بدون در در رقابت برای کسب جایزه شرکت کنند. اسپنسر گفت، او برای برنده شدن در نقش اول در آکادمی اسکار، برای فیلمش «The Help» بسیار تلاش کرد و ملامت‌های زیادی کشید تا مسئولان را متقاعد کند تا جایزه را به او بدهند. این

ستاره ۴۴ ساله گفته است، بازیگران سیاه پوست و اقلیت‌ها اغلب برای برنده شدن در نقش‌های اصلی در سینما با مشکل روبه‌رو هستند. اسپنسر که به تازگی به تلویزیون روی آورده است تا نقش‌های اصلی را در آنجا نیز ایفا کند، گفت اگرچه اسکار را برنده، همچنان کارگردانان نقش‌های دوم و فرعی را به او پیشنهاد می‌کنند و این دلایلی ندارد جز این که وی سیاه پوست است. او پاییز امسال در درام «انجمن سرخ» نقش پرستار جکسون را بازی خواهد کرد که در بیمارستانی برای کودکان بیمار فعالیت می‌کند. وی دلیل تصمیمش از روی آوردن به صفحه تلویزیون، می‌گوید: «نقش‌هایی که در فیلم‌ها به من پیشنهاد شده، بسیار کوتاه‌تر از آن است که به چشم بیاورم. من به این نتیجه رسیدم که اکنون زمان آن رسیده است تا کاراکتری را ایفا کنم که باوروی خوبی برایم داشته باشد و شرایط را برای بودنم به عنوان یک

بازیگر زن، فراهم کند. من این فرصت را در سینما نداشتم، فیلم‌هایی که در آنجا از من می‌پرسیدند: ممکن است نقش مادر شوریده این پسر را بازی کنید؟ و من می‌گویم: حتماً، اما این نقش را قبلاً بازی کرده‌ام». اسپنسر در پاسخ به این سؤال که آیا او احساس می‌کند که بازیگران سیاه پوست برای پذیرش در استودیوهای فیلمسازی، مشقت زیادی را متحمل



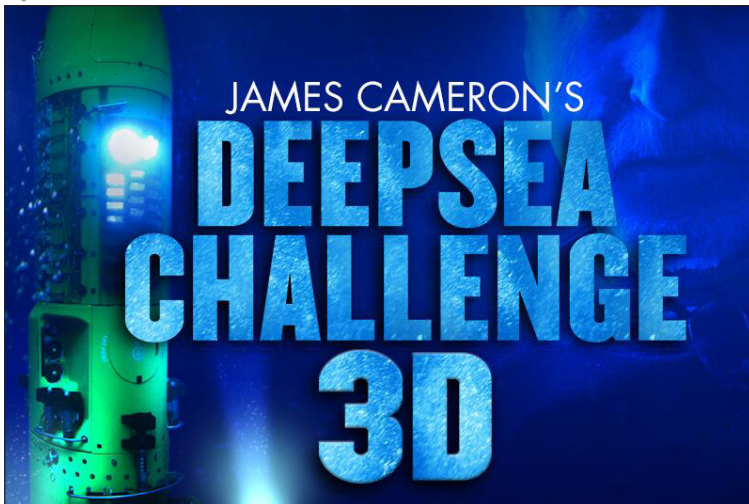
می‌شوند، گفت: «نقش‌های بسیار اندکی بیرون از این استودیوها وجود دارد. و حتی اگر فیلمی وجود داشته باشد که نقش اول آن بازیگر زنی سیاه‌پوست باشد، مگر چندتا از آن ساخته می‌شود؟ بهتر است کمی واقع‌بین باشیم، اما این فقط بازیگران سیاه پوست نیستند که چنین سرنوشتی دارند، آسیایی‌ها، اسپانیایی زبان‌ها و سایر اقلیت‌ها با این مشکل

فیلم روز

چالش دریای عمیق

جیمز کامرون، اولین سفر انفرادی به گوداله ماریانا را می‌سازد. جیمز کامرون گویا سرگرم کارگردانی دنباله‌ای از سه گانه پر فروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینماست. اما برای قضاوت در باب فیلم علمی او یعنی «چالش دریای عمیق»، می‌توان گفت فیلم‌های اوتار کار روزمره اوست که ارتباط اصلی او را در این فیلم تقویت می‌کند: کارش زیر دریا. کامرون، در این فیلم پیش از این که چگونگی الهام گرفتن خود را از غواصی دونفره سال ۱۹۶۰ در گودال ماریانا تشریح کند، بخشی از تمایلات کودکی خود را بازگویی می‌کند. «گودال ماریانا» عمیق‌ترین بخش اقیانوس هاست که تا کنون تنها وسایل کاوشگر بدون سرنشین به آنجا دسترسی یافته‌اند. ازین رو، او تصمیم گرفت نخستین انسانی باشد که چنین کاری را به تنهایی به سرانجام می‌رساند. این فیلم محصول کمپانی‌های «Wight Expedition»، «Beyond Productions» و «Earthship Productions» است و کارگردانی آن را جان برونو، آندره وایت و رای کوینت بر عهده دارند، نویسنده‌گان این فیلم آندره وایت و جان گاروین هستند، موسیقی «چالش سه بعدی دریای عمیق» بر عهده ریکی ادواردز، برت ایلین و آمی باستو است. جیمز کامرون، لیزا تروت، ماریا ویلهلم و میکایل بور گلاند تهیه کنندگان اجرایی هستند، تدوین آن را جین مورگان انجام می‌دهد، عکسبرداری فیلم را لولیس اولوکلین و جان استاکس کارگردانی می‌کنند و در نهایت طول فیلم ۹۰ دقیقه است. توضیحاتی که در تشریح طرح نوآورانه‌ای که جیمز کامرون و همکار طراح او «رون آل» به همراه تیمی از مهندسان متخصص ساخته‌اند، آورده می‌شود نسبتاً سریع است: تنها حفر کننده واقعی در یازده و نیم تن، جالشگر از در شکل دریای عمیق، تقریباً آماده آزمایش است...

ما اینجا تمرین آتش‌سوزی تماشا می‌کنیم و نقص کنترل‌ها را می‌بینیم و مرتب پیام قطعی سیستم‌های ارتباطی را می‌شنویم و فرصت فراوانی داریم که از خود بیرسیم یا ما خودمان به یک مجرای کوچک و پر احتمالات بنسیم که اگر قطع شود می‌تواند ما را در عمق هفت مایلی زیر آب بکشد؟ آزمایش‌های غواصی آب کم عمق پیش می‌رود، حتی پس از این که گروه با مرگ «وایت» و «دیگرو» دچار شوک شدند، تدوینگر گروه، جین موران، کار خوبی می‌کند که در حال تصویر گرفتن از تعدادی افراد کاربلد است که دلیل خوبی دارند که به موفقت خود مشکوک باشند. اگر چه از تعدادی درباره درخواست‌هایی می‌شنویم که کامرون با اعضای گروه مطرح می‌کند، اما فیلم بیشتر این حاشیه‌ها را نشان نمی‌دهد. برعکس، کامرون به قطعی‌های چندباره سیستم‌ها یا مناسبت پاسخ می‌دهد و حتی اگر عصبانیتی بروز پیدا کند ما آن را نمی‌بینیم. در این فیلم احتمالاً عکاسی سه بعدی است که به ارزش آن برای محققان می‌افزاید و میزان تجربه بینندگان را بالا می‌برد. اما اگر سه ساعتی که در گودال فیلمبرداری می‌کند، درام واضح‌تری ارائه می‌کرد، داستان این که چگونه چالشگر دریای عمیق به آن اعماق رسیده است، ترتیب بهتری می‌یافت.



ممکن است نقش او، گروت، حرف زیادی برای گفتن نداشته باشد (دقیقاً سه کلمه)، اما دیزل از این که در مورد این صحبت کند که چرا فیلم‌هایش مهم هستند، احساس خوشحالی می‌کند.

۲۵ سال پیش، مارک سینکلیر کار خود را به عنوان کسی که وظیفه‌اش بیرون انداختن افراد مزاحم است، شروع کرد و تصمیم گرفت نام خود را عوض کند. چیزی که کمی سخت به نظر می‌آمد. وین به خاطر وینسنت، لقب ناپدری‌اش و دیزیل به خاطر این که چیزی است که هر کسی می‌گفت او باید آن را بیرون ببرد. حتی قبل از این که شغلی را پیدا کند که مستلزم سرعت عادی، ماشین پمپ راحت و... بود، بازم هم مردم عادت داشتند بنزین را با او جین بدانند.

دیزل اکنون به مردی یخته و چاق شده تبدیل شده است. با لب‌بندی ملایم بر لبان، چشمان بسته‌ای کاملاً بازنه و صدایی زمخت اما ملایم و عمیق که ما را به یاد بازیگران دهه ۱۹۲۰ نشان می‌دهد. وی این روزها اندکی خسته است، زیرا بر روی پروژه سنگین «سریع و خشن ۷» کار می‌کند و همچنین در حال آماده شدن برای مصاحبه‌ها در مورد فیلم تازه اکران شده‌اش، «نگهبانان کهکشان» است. هفته آینده نیز باید در فیلم دیگری حضور یابد که برنامه‌اش را هر چه فشرده‌تر می‌کند.

دیزل چند روز پیش در لندن و در شب نمایش اولیه نگهبانان کهکشان، حضور یافته بود و نقش او در این فیلم یک سوپر قهرمان درختی است. شخصیتی که به صورت زنتیکی به یک درخت ارتقا یافته و به گروهی گانگستر فضایی ملحق می‌شود تا جهان را نجات دهد. تنها دیالوگ او در تمام فیلم این است: «من گروت هستم». فقط سه کلمه.

درختی تک مونولوگی نقش است که در خواب هم کسی نمی‌توانست ببیند. «این نقش تمایل به هنر پیشگی را در من برانگیخت، ما در مورد یک شخصیت چالش برانگیز صحبت می‌کنیم که اصلاً صحبت نمی‌کند. چگونه می‌توان واقعاً کاراکتری را خلق کرد که فقط سه کلمه حرف می‌زند. این فوق العاده است. به نظرم بازی بدون صحبت خیلی سخت‌تر است و واقعاً انتقال احساسات بدون حتی کلمه‌ای بسیار مشکل است.»

وی در مورد تجربه این نقش ادامه می‌دهد: «تجربه نقش ساز شکرانه بود. فکر می‌کنم هرگز تشخیص نداده بودم که واقعا چقدر در ختان را دوست می‌داشتم. همیشه در دوران کودکی در رویاهایم در ختان بید پریشان را می‌دیدم و حالا با بازی کردن در نقش یک درخت، خودم را در دوران کودکی‌ام می‌بینم و تشخیص داده‌ام که چقدر در ختان را دوست داشتم.»

تم مرکزی نگهبانان کهکشان هم تفاوت زیادی با سایر فیلم‌های دیزل ندارد، فیلم‌هایی که اغلب، گروه‌های گانگستری دست به اقداماتی می‌زنند و صحنه‌هایی پر هیجان می‌سازند که از اعضای آن مثل یک خانواده می‌شوند. در اینجا نیز تم همان است اما صورت تغییر کرده است. جریان در محیطی فضایی می‌گذرد و موجودات از همه سنخ و گونه در کنار هم قرار گرفته‌اند. گروت یک درخت است و یک راکون هم نقش محوری دارد، در حالی که انسان‌ها نیز با آن‌ها هستند. آیا این درست است که بگوییم، فیلم در جهانی پسا نژادی می‌گذرد؟

در پاسخ به این پرسش او می‌گوید: «کاملاً درست است. در عمیق‌ترین سطح ما بین گونه‌ها حرکت می‌کنیم و در واقع میانجی واقع شده‌ایم. وی امیدوار است روزی تبعیض از بین برود و به روز خوب بیاید.

وین دیزل یک برادر دو قلو هم به نام پائول دارد. هر دوی آن‌ها در روستای گرینویچ، در سال ۱۹۶۷ به دنیا آمده‌اند. آن‌ها از پسر و مادری به دنیا آمده‌اند که در شرایط تبعیض سختی در امریکا با هم ارتباط داشته‌اند. آن‌ها پدری داشته‌اند که دیزل او را بسیار کم شناخته است. وی به وسیله

دلورا و ناپدری افریقیایی- امریکایی‌اش بزرگ شده است. ناپدری‌اش مدیر سالن نمایش بوده و همو دوقلوا را به بازیگری ترغیب کرده است.

او در سن هفت سالگی با دوستانش وارد تئاتر شد و نقشی را در یک نمایش بازی کرد، سپس هنرهای موزون را در نوجوانی یاد گرفت. در دانشگاه فیلم‌نامه‌نویسی خواند و پس از آن نه سال روزها تمرین هنرپیشگی کرد و شب‌ها به عنوان کسی که مزاحمان را بیرون می‌اندازد، کار کرد. دهه سوم زندگی اش - ۲۰ سالی سالگی - همراه با موفقیت نبود. زیرا به سختی کار می‌کرد و مجبور بود از بدنش به دلیل پول در آوردن کار بکشد و بنابراین وقت زیادی برای پرداختن به چیز دیگری برایش نمی‌ماند.

اما برای بازیگری باید کاری می‌کرد. تصمیم گرفت شغلی را عوض کند تا بتواند به سایر کارهایش هم برسد. شغل او فروختن لامپ بود. اولین کارش با نام Multi-Facial سال ۱۹۹۴ در جشنواره کن نمایش داده شد و بدین ترتیب او توانست نظر اسپیلیبرگ را جلب کند. اسپیلیبرگ برای فیلم نجات سرباز رایان نقشی را به او داد. از اینجا به بعد فعالیت حرفه‌ای وی آغاز شد. سپس نقش یک گانگستر را در فیلم Strays بازی کرد. صدایش در فیلم The Iron Giant استفاده شد. در فیلم Boiler Room نقش یک سهامدار بی ادب را ایفا کرد. این پایان کار نبود. پس از این فیلم‌های مشهورش که اکثراً با آن‌ها شناخته می‌شود یا به عرصه نهداند. در سال ۲۰۰۰ در فیلم بازی کرد. Pitch Black و سه ایکس که دومی بیشترین شهرت را برایش به همراه داشت و بسیار محبوب از آب درآمد. سال بعد «سریع و خشن» را بازی کرد که باز هم توانست نظر‌ها را به خود جلب کند و موفقیت درخوری را برای دیزل به ارمان بیآورد. از این پس او سبک بازیگری خود را پیدا کرد و بیشتر برای علاقه‌مندان فیلم‌های اکشن، شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شد.

دیزل معتقد است کاراکتر گروت، که شیرین، بی صدا و کم حرف، و درختی صمغی است به شخصیت خود او بسیار نزدیک است. شخصیتی که معصوم به نظر می‌رسد. «حفظ کردن معصومیت یک شاهکار است. افسون‌های بسیاری از آن به دست می‌آید. به نظرم وقتی مردم گروم را می‌بینند می‌توانند همین خط شخصیتی را در سایر فیلم‌هایم هم ببینند.»

وین دیزل در حال حاضر در شبکه‌های اجتماعی یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین بازیگران است. صفحه فیسبوک او هر روز با تصاویر، گفته‌ها و جملات مختلف، آیدیت می‌شود. وی اکنون پنجاهمین بازیگر محبوب در فضای مجازی است و صفحه او در فیسبوک ۸۲ میلیون لایک خورده است.

این درحالی است که وی سال گذشته گفته بود، فیسبوک ارزش مشاهده و هنرپیشگان را پایین می‌آورد، اما اکنون نظر دیگری دارد. «تصور کنید اکنون شما می‌توانید با هر کسی و در هر جایی مطالب، تصاویر و فیلم‌هایتان را به اشتراک بگذارید، این یک تجربه «سریع و خشن» است.» او حالا معترف است که رابطه‌های مجازی این چپنی می‌تواند بسیار ثمربخش باشند. مثلاً سال گذشته که پل واکر در یک سانه در گذشت بسیاری از مردم در سراسر جهان از طریق فضای مجازی برایش اشک ریختند و حتی خود دیزل گفت ابتدا از طریق فیسبوک با این خبر مواجه شده بود.

در پایان دیزل از احساس مدیون بودن خود به مردم می‌گوید. «شاید به این دلیل این احساس را دارم که متقدم فیلم‌هایم بر مردم تأثیر می‌گذارند و آن‌ها تأثیر گذارند. این امر یک اهمیت و ضرورت را به کار من می‌بخشد.»

وی اکنون در میانه چهل سالگی است و همچنان بدون خستگی و وقفه به کار خود، با عشق و علاقه ادامه می‌دهد. او اکنون دوران‌های سخت کارهای پر مشقت و دوشیفت کار کردن را پشت سر گذاشته و می‌تواند به روزهای خوب پیشرو بیاندیشد.

وین دیزل در فیلم «نگهبانان کهکشان»

«نمی‌دانستم که اینقدر درخت‌ها را دوست دارم»

guardians galaxy

